

## عنوان مقاله:

تحلیل لایه واژگانی در فیروزشاه نامه

## محل انتشار:

دومین کنگره ملی پژوهش های کاربردی علوم انسانی اسلامی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

محمد رضا نجاریان - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

شیمایمک شناس - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

## خلاصه مقاله:

نثر پارسی در سده نهم هجری به تدریج از مبالغه های صنعتی و فنی قرون مقدم آزاد می گشت؛ چنانکه آثار تکلف که در آنها به افراط به صنایع توجه شده باشد کم و برعکس رواج سبک ساده عادی بیشتر می شد. در آثار منثور عهد تیموری، کمتر به لهجه کهن پارسی توجه میشد و اصطلاحات و لغات و ترکیبات عمومی کاربرد بیشتری داشت. روش متداول عهد تیموری، سبک ساده و روان در نثر است. فیروزشاه نامه یکی از داستان های عامیانه فارسی است که در سال 887 ه.ق در تبریز توسط داستان گذاری به نام محمد بیغمی نوشته شده است. موضوع این کتاب داستان شرح زندگی فیروز شاه پسر ملک داراب و دیگر پهلوانان ایرانی است که مجلد سوم و ادامه داراب نامه از همین نویسنده است. در این اثر واژگان فارسی همچون پاچال، مادرگیر، پاتاه و غژغاو؛ واژگان ترکی مغولی مثل طراقای، قراقرم، جوق جوق، براق، ایغاغ، مشتقات عربی. فارسی، اشکال مختلف جمع فارسی و عربی، ترکیبات عربی مانند الله اکبر، کن فیکون، نعوذ بالله، الصبر مفتاح الفرج؛ نیز اسماء مرکبی همانند طراقا طراق، نوشانوش، گریز اگریز؛ مترادف های عربی و فارسی؛ حروف اضافه مرکب؛ حروف ربط وابسته ساز و همپایه ساز؛ وجود دو کلمه پرسش با هم؛ حائز اهمیت است. نگارندگان در این مقاله برآنند تا به بررسی ویژگی های زبانی (لایه صرفی) فیروزشاه نامه بپردازند و جایگاه این اثر داستانی را در سده نهم هجری تبیین نمایند.

## کلمات کلیدی:

فیروز شاه نامه، نثر سده نهم هجری، سبک شناسی، عناصر زبانی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/482184>

